

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده : پدی محمودی

دبیر همیستی فراسیون سراسری پناهندگان ایران در کانادا

۱۸ اسفند ۱۳۸۷

هو کردن سفیر رژیم جنایتکار اسلامی در تورنتو!

۸ مارس به یاد ماندنی برای آزادیخواهان!

امروز یکشنبه ۱۸ اسفند به دعوت سفارت رژیم اسلامی در شهر تورنتو قرار بود با حضور سفیر جنایتکار رژیم به استقبال نوروز و سال نو بروند. سفارت رژیم به آدرس تعدادی منتخب از ایرانیان تورنتو نامه ای داده بود و آنها را به گردهمایی امشب دعوت کرده بودند. شخصاً دیشب از طریق بابک یزدی دبیر تشکیلات حزب کمونیست کارگری در کانادا با خبر شدم که همچنین جلسه ای است و گفت گرچه وقت تنگ است اما باید کاری کنیم که این نماینده توحش و زندان، و این حکومت ضد زن جرأت نکند بار دیگر به تورنتو بیاید.

با فراخوانی فوری به تشکیلات حزب در تورنتو و همه سازمانهای سیاسی مخالف جمهوری اسلامی، برای شرکت در تظاهرات علیه سفیر رژیم امروز صبح بسیاری از دوستان و آشنایان را در جریان گذاشتیم، گرچه فرصت زیادی نمانده بود اما مگر میشد در روز جهانی زن، ضد زنترین سفیر دنیا جلسه داشته باشد و آن را به هم نزد، با همه دوستان قرار گذاشتیم که رأس ساعت پنج و نیم در مقابل رستوران دربند که نزدیک هتل پرنس محل برگزاری مراسم بود حضور به هم رسانیم و هماهنگی لازم را در چگونگی پیشبردن آکسیون قوی و افشاء کننده علیه این نماینده توحش رژیم اسلامی و سرمایه باشیم - رفقاء و دوستان سر ساعت مقرر جمع شدند، قرار این بود که تعدادی به داخل سالن برویم و بقیه هم در بیرون هتل شروع به تظاهرات کنند و به افشای جمهوری اسلامی و جنایتهایش بپردازند، من یکی از کسانی بودم که به داخل سالن رفتم که جریان از این قرار بود.

برای من که در ۳۰ سال گذشته شاهد اعدام عده بیشماری از رفقاء و همزمان توسط رژیم اسلامی بوده ام، برای من که صدها نفر را که توسط این رژیم به زندان رفته اند و شکنجه شده اند را می شناسم، برای من که در طول ۱۵ سال گذشته هزاران پناهند و فراری از دست رژیم اسلامی را ملاقات کرده ام، داستان زندگی و فرارشان از جهنمی به اسم ایران را شنیده ام، برای من که هرگاه با "دایه سلطنه" نازنین مادر معلم محکوم به اعدام فرزند کمانگر صحبت کرده ام که می گوید "انتظار ما تلاش بیشتر همه شماهاست، نه تنها فرزند بلکه باید کاری کرد که همه زندانیان را آزاد کرد"، رفتن و نشستن پای سخنان یکی از همین خیل اوباشان اسلامی که آقای سفیر باشد هر لحظه اش طولانی ترین زمان ممکن بود - بالاخره از حدود ده نفری که می خواستیم به داخل سالن برویم عده بیشتری توانستند سف جاسوسان، مفتخوران و گاردهای محافظ و پلیس را رد کنیم و به داخل سالن میز شماره ۴۵ را بگیریم، در حین رفتن به داخل، مهران محبوبی که با سماجت خاصی دوربینش را آورده بود می گفت من باید این صحنه ها را رکورد کنم، که متأسفانه هر کاری کرد نتوانست کارت ورودی را بگیرد و عملاً از آمدن به داخل سالن محروم ماند، هما ارجمند که تا میز شماره ۴۵ هم خودش را رسانده بود برای کاری به بیرون می رود و دیگر هیچگاه نگذاشتند وارد سالن شود. یکی دو بار با بچه های بیرون تماس گرفتم و گفتم که منتظریم سفیر وحوش اسلامی صحبتش را شروع کند که ما هم دست به افشاگری بزنیم، بالاخره گرچه زمان به کندی پیش می رفت اما ساعت ۶ فرا رسید و دختر خانم جوانی شروع به شعر خوانی کرد، پس از آن بچه اخوندی که معلوم بود باید اینجا با پولهای دزدیده مردم ایران مشغول تحصیل باشد شروع به خواندن قران کرده که شاید دیگر این قران خوانی برای منی که چیزی نزدیک به ۳۰ سال است تلاش کرده ام که حتی از کوچه ای که آخوند رد می شود نگذرم دردناترین

دقایب انتظار بود، و به قول بیننده کانال جدید من هم بیش از ۲۰ سال است هر آنچیزی که بهش می گویند اسلام و دین را به حراج و به قیمت يك كيلو پياز گذاشته ام اما متأسفانه خریداری نداشت و مجبور شدم ان را به آشغالدانی تاریخ بریزم، بله بالاخره خانم جوان که به احتمال زیاد می داند با همان لباسهای رنگارنگش اگر به ایران برگردد توسط اوباشانی که همین سفیر آنها را نمایندگی می کند به زندان خواهد رفت، شلاقش می زنند و او را از هر آنچه شادی و رنگ است محروم می کنند، سفیر را معرفی کرد و از حضار که چیزی در بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر می شدند خواست که به سخنان او گوش فرا دهند، فکر کنم هنوز سفیر ریشوی اسلامی يك کلمه هم نگفته بود که فروغ ارغوان یکی از کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران و زندانی سیاسی که بیش از چند سال از عمرش را در سیاه چالهای این رژیم گذارنده بود، کسی که تابوتهای مرگ جلاخان اوین را تجربه کرده است، سر پا ایستاد و رو به سفیر رژیم اسلامی گفت "امروز ۸ مارس روز جهانی زن است و من دو دقیقه وقت می خواهم تا درباره جنایات سی ساله رژیم جمهوری اسلامی در حق زنان صحبت کنم". و در این هنگام گاردهای ویژه، پلیس و جاسوسان رژیم در داخل سالن که شخصاً شاهد حضور تعدادی از آنها بر سر همان میز شماره ۴۵ بودم به خود افتادند که دیگر دمکراسی اسلامی بیش از يك دقیقه به مخالف خودش اجازه نخواهند داد صحبت کند، آقای سفیر حاج و واج مانده بوده، مردم عده ای از شادی در جای خود میخ شده بودند، و لابد کاسه لیسان رژیم اسلامی هم بدو بیراه می گفتند که چرا شب نازنینشان را بهم زدیم، آخر که اینها جای علنی به کسی اطلاع نداده بودند، لابد باید یکی از برادران اسلام شب نوروزی سفیر را لو داده باشند.

پلیس و گاردها به دور فروغ حلقه زدند و او را به طرف در ورودی هول می دادند که من هم از سر جایم پا شدم چند قدمی به طرف سفیر رفتم، دیدم فرصت زیادی نسبت گاردها و خیل اوباشان رژیم دارند نزدیک می شوند، با صدای بلند شروع کردم به افشاگری و گفتم، "من هم سال نو را دوست دارم، اما شما و رژیم شما که بیش از ۳۰ سال است شادی و سال نو را از کثرت مردم ایران یعنی کارگران گرفته اید، شما با تحمیل فقر مطلق به کارگران جنایتکاری هستید که باید محاکمه و مجازات شوید"، در این هنگام پلیسها ریختند و مرا کشانکشان به طرف در بردند، نمی دانم چقدر طول کشید اما تا جایی که توانستم به نمایندگی از کارگرانی که ماههاست حقوقشان را نگرفته اند، به نمایندگی همه آزادیخواهانی که نمی خواهند سر به تن این رژیم منفور باشد و برای سرنگونی آن لحظه شماری می کنند هر آنچه را فرصت داشتم خطاب به سفیر جنایتکار اسلامی گفتم، بعد از من و یکی یکی تعداد دیگر از جمله محمود احمدی، جلیل بهروزی، رحمان نجات و مجید سپاسی هر کدام به سهم خود شروع به افشاگری، شعار دادن علیه رژیم و سفیر فاشیست اسلامی شدند، مجید می گفت در کوتاهترین زمان بیشترین صحبتها را کرده ام، گفتم که شما برادرم را اعدام کرده اید، اما رژیم شما حتی به مادرم امسال اجازه ندادید به خاوران بروم، مرگ بر رژیمتان، مرگ بر رژیم اسلامی - تعدادی از پلیسها در هنگام دور کردن ما از سالن و در بیرون سالن که مقدار بیشتری صحبتهای ما را به انگلیسی شنیدند ضمن اظهار تأسف و همدردی و اینکه مامور و معذوریم ولی یکی از آنها در نهایت گفت بالاخره چی می خواهید، شما آنچیزی را که می خواهید انجام دادید.

نزدیک ساعت هفت بعدظهر با بیش از نیم ساعت افشاگری از رژیم اسلامی و سفیر مزدورش، با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی همگی به صف آزادیخواهانی که در بیرون هتل مشغول شعار دادن علیه رژیم بودند برگشتیم، دوستان که تا این لحظه منتظر اخباری از تلاشهای ما در داخل سالن بودند با دیدن ما شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی را با صدای رساتر سردادند و سراپا گوش بودند تا بدانند که در داخل سالن و در تورنتو شهری که هیچگاه حداقل در ۱۵ سال گذشته ای که من بیاد دارم، این جانین نتوانسته اند جلسه و مراسمی را علنی و یا بدون دردسر به پیش ببرند چی گذشته، نه تنها این، بلکه مخفیانه ترین تجمعشان هم مثل همین مراسم امشب این چنین مورد افشاگری آزادیخواهان و مخالفین جمهوری اسلامی قرار می گیرد، امشب ما فعالین حزب کمونیست کارگری در تورنتو و تعداد زیادی از سازمانهای سیاسی مخالف جمهوری اسلامی پیام روشنی را به سفیر جانین اسلامی دادیم و گفتیم شما قاتلین مردم ایرانید، شما بانین اپارتاید جنسی در ایرانید، شما مسوول فقر و فلاکت و تحمیل بی حقوقی به کارگران، زنان، جوانان و اکثریت عظیم مردم هفتاد ملیونی ایرانید، ما با تلاشهایما، و با انقلابی که در راه است همه شما جانین را به پای میزهای محاکمه خواهیم کشاند، و باید جرم ۳۰ سال جنایت علیه بشریت محاکمه شوید.

سال نو بر همگی مبارک